

یعنی شش ماه سوخت حمامهای شهر از این کتابها تامین می شد (۳۸۵) و دیگر حکایت یحیی بطریق است که عامل فارس می خواست او را از جای خودش آواره سازد و او نامه به علی بن ابیطالب (ع) نوشت و حضرت به فرزند خود محمد بن حنفیه دستور داد که برای آن حکیم امان نامه بنویسد (۳۸۸) و بدینگونه عجب نیست که اکثریت حکمای اسلام متشیع اند یعنی یا اسماعیلی و یا زیدی و یا امامی هستند و متفکران فلسفی ماب سنی مذهب غالباً ضد فلسفه بوده اند (مانند محمد غزالی و فخر رازی) و بسیار جای تعجب است که بعضی محققان شایسته احترام نسبت کتابسوزی را از عمروعاص نفی کرده اند. از کسانی که به عترت توهین کردند چه عجب که به «کتاب» نیز تعرض کرده باشند و به بهانه «کفانا کتاب الله» مسلمانان را بی نیاز از موارث تمدن بشری پنداشته باشند حال آنکه همانان برای نوشتن حساب بیت المال نیز نیاز به ایرانیان متمدن داشتند و البته سیر تاریخ آن خشک اندیشی را محکوم کرد و روش علی بن ابیطالب (ع) در اعطای امنیت به حکیمان و عالمان اجرا شد همچنانکه پیغمبر نیز طلب علم را ولو در «چین» سفارش فرموده بود.

ذکر این نکات از این جهت بود که گرایش شیعیانه نویسنده محبوب القلوب را کاملاً متناسب با مشرب حکیمان و عارفانه او می یابیم و لذا محبوب القلوب کتابی است که در خوانندگانش نیز حکمت دوستی را القاء می نماید. و نمایش گرایش عرفانی و فلسفی و معنویت عالی در عصر صفوی است.

البته کتب قدیم را باید با انتقاد نگریست و محبوب القلوب که مطالبش تلفیقی از مآخذ گوناگون با مشربهای متفاوت است بیشتر باید مورد تأمل قرار گیرد و خوب بود که محققان محترم کتاب مقایسه ها یا

ارجاعاتی در این زمینه صورت می دادند. جوهر اعتقاد اشکوری در رابطه دین و فلسفه چنین است: «العقل شرع من داخل و الشرع عقل من خارج فهما متعاونان متعاضدان» (۱۰۲) از همین جهت که قرآن کافران را بی عقل نامیده و عقل و وحی را به رویهم «نور علی نور» خوانده است (همان صفحه).

به یک نکته مهم درباره مقدمه کتاب اشاره می شود و آن اینکه کتابی در ایران چاپ می شود و مؤلف آن ایرانی است و حتی در متن کتاب شعر و نثر فارسی را با عربی در آمیخته است چه خوب بود که مقدمه کتاب را نیز محققان به فارسی می نگاشتند همچنانکه در مورد بعضی متون عربی دیگر که میراث مکتوب چاپ کرده است همین کار صورت گرفته است.

و اگر فرض محققان کتاب بر این بوده است که خواننده محبوب القلوب فارسی نمی داند پس تکلیفش با عبارات و اشعار فارسی کتاب چه خواهد بود؟ و جالب تر اینکه عبارات عربی مقدمه گاهی سخت بوی فارسی، آن هم فارسی رسانه های جمعی را دارد یک نمونه نقل می کنم و داوری را به خوانندگان عربیدان و فارسی شناس و گذار می نمایم: «اهتم المؤلف بالاخلاق و التحکمة العملیه باعتبار البعد العام لها و باعتبار بعدها الصانع للانسان و المهتم بتربیته اکثر من الابعاد الاخری» (ص ۴۷) که ملاحظه می شود کلمه «بعد» در همین معنی یومیه ما بکار رفته که عرب فصیح معاصر چنین نمی گوید.

در هر حال زحمات محققان کتاب و ناشر محترم ما جور و مشکور است. در انتظار انتشار بقیه کتاب که اهمیت بیشتری دارد هستیم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات
پرتال جامع علوم انسانی

تذکره الشعراء

تذکره الشعراء

مولانا محمد عبدالغنی خان غنی

باتصحیح و تواشیح محمد اسلم خان

ناشر سعود احمد دهلوی، ۱۹۹۹ م.

قلمرو ادبیات فارسی در سرزمین هند بسیار گسترده است. بیشتر آثار فارسی در زمینه فرهنگ نویسی و تاریخ و تذکره نویسی برای نخستین بار در این سرزمین تألیف شده و به نظر دکتر خانلری، نویسندگان فارسی زبان هند و پاکستان در این زمینه بر ادبیات ایرانی برتری یافته اند. از جمله تذکره های گرانبهایی که در هند تألیف شد تذکره الشعراء غنی است که در سال ۱۳۲۸ هـ / ۱۹۱۰ م. به پایان رسید و در سال ۱۹۱۶ م / ۱۳۳۴ هـ به کوشش محمد مقتدی خان شیروانی به چاپ رسید.

درباره شرح حال مؤلف تنها منبع، مقدمه تذکره به زبان اردوست که توسط فرزند وی تهیه، و در ضمن آن، نام مؤلف مولانا محمد عبدالغنی و تخلص وی غنی معرفی شده است. وی در نوشتن این تذکره غیر از برخی کتاب های تاریخی از تذکره های دیگر نیز بهره برده است.

تذکره الشعراء غنی شامل نام ۱۰۴۱ شاعر متقدم و متأخر است که از آبروشاه مبارک گوالیاری شروع شده است و به میریوسن ابهری پایان می پذیرد. در عین حال استفاده از این تذکره بسیار آسان است. روشی که در این تذکره اتخاذ شده به شرح ذیل است:

۱. عناوین شامل: تخلص، اسم، سال وفات، وطن، ملک، عهد (نام پادشاه زمان شاعر)
۲. اسامی شاعران بر اساس حروف القبا مرتب شده است.
۳. برخی نقایص لفظی توسط مصحح برطرف شده است.

۴. با توجه به تفحص مصحح در سایر تذکره ها نام شعرائی که قبلاً در تذکره الشعراء موجود نبوده اضافه گردیده است.

۵. برای راهنمایی و کمک به دانش پژوهان در به دست آوردن اطلاعات بیشتر درباره هر شاعر به چهار کتاب زیر اشاره شده است: فرهنگ سخنوران خیامپور، تذکره منتخب اللطایف رحیم علی خان ایمان، منتخب الاشعار مردان علی خان میتلا و - "Dictionary of indo-Persian literature" دکتر بنی هادی، که هر یک با نشانه های اختصاری در کتاب مورد استفاده قرار گرفته است. کتاب تقریظ کوتاهی به قلم پرفسور سیدامیرحسن عابدی استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه دهلی دارد.